



تفاسیر اشتباه از دین سب بروز تعدد ادیان شد/ تعریف فیلسوف الهی از دین با فیلسوف غیرالهی متفاوت است

حجت الاسلام دکتر احمد احمدی استاد فلسفه و رئیس انتشارات سمت گفت: با ظهور هر پیامبر الهی دین جدیدی برای مردمان آن دوره به ارمغان آمد.

حجت الاسلام دکتر احمد احمدی استاد فلسفه و رئیس انتشارات سمت گفت: با ظهور هر پیامبر الهی دین جدیدی برای مردمان آن دوره به ارمغان آمد. در این میان عده ای از مفسران به اشتباه تفسیر نادرست از دین ارائه دادند و برای هر تفسیر متناسب با فرهنگ آن جامعه پیروانی ایجاد شد و به دنبال آن تعدد ادیان بروز پیدا کرد. حجت الاسلام دکتر احمد احمدی درباره دلیل تعدد ادیان به خبرنگار مهر گفت: در هر زمان پیامبری ظهور کرد و متناسب با آن زمان از جانب خداوند دینی را برای ارشاد و راهنمایی مردم در اختیار آنها قرار داد. ظهور پیامبر دیگر به معنی ارمغان یک دین کامل تر برای مردم بود به عبارت دیگر مسائلی که مربوط به زمان گذشته می شد با ظهور دین جدید نسخ و مطالب جدید و کامل تری در اختیار مردم قرار می گرفت. در هر دوره و با ظهور هر پیامبر و ظهور یک دین جدید، افراد مختلفی بودند که دین را تفسیر می کردند. این افراد گاهی در تفسیر خود دچار خطا شده و گاهی برای دستیابی به مسائل دنیوی مرتکب خطا می شدند. این موضوع یکی از دلایل بروز تعدد ادیان است.

وی ادامه داد: عامل دیگر مربوط به زمان می شود. بدین معنی که در زمانی یک حکم نافذ بود و بکار گرفته می شد ولی بعد از مدتی با تغییر شرایط زمان، آن حکم دیگر کارایی نداشت و پیامبر بعدی با یک دین کامل تر به آن حکم نیز شکل کامل تری می بخشید. از این جهت می توان گفت دین بعدی مکمل دین قبلی بوده است، اما همین موضوع باعث بروز اختلاف و تعدد ادیان شد. چراکه عده ای همان احکام گذشته را بکار می گرفتند و حتی آن را از نگاه خود تفسیر کرده و بسط و گسترش می دادند و به همین نسبت پیروانی برای احکام مختلف ایجاد می شد.

این استاد فلسفه یادآور شد: در این میان هرچه از دین فاصله بگیریم، اختلافات و فرقه های بیشتری بروز و ظهور پیدا می کند. بر اساس تحقیقی که در قالب کتابی در 3 جلد منتشر شده بیش از 2000 فرقه ایجاد شده است. درست است که برخی آنها مفسران به خاطر منافع خود این کار را می کنند اما بسیاری از آنها نیز دچار اشتباه می شوند.

این استاد دانشگاه افزود: به هر حال قرآن یک لفظ است و لفظ را می توان چند نوع معنی کرد. نتیجه این می شود که افراد سودجو و نااهل دین را به نفع خود تغییر می دهند. قرآن می فرماید: «وَقِيلَ لِلَّذِينَ يَكْتُمُونَ الْكِتَابَ بَايِعُوا بَيْنَهُمْ ثُمَّ يَقُولُونَ هَذَا مِنْ عِنْدِ اللَّهِ» پس وای بر کسانی که بدست خود کتابی را می نویسند، سپس می گویند این از نزد خداست. هر موضوعی که مطابق با خواسته و اهداف شان بود را به صورت مکتوب در می آوردند و مدعی می شوند از طرف خداست. به ویژه در زمان های قدیم که رسانه ها به شکل امروز نبودند سوء استفاده های بسیاری در این باب صورت می گرفت.

رئیس انتشارات سمت در پاسخ به این سوال که ادیان مختلف با مدرنیته چگونه تعامل برقرار کردند؟ این طور پاسخ داد: در ابتدا باید مدرنیته را تعریف کنیم. آیا منظور از مدرنیته همین ابزاری است که همه ما از آن استفاده می کنیم؟ اگر منظور از مدرنیته این است که هیچ دین داری با آن مخالف نیست و اگر موضوعاتی است که در دنیای مدرن مطرح شده و به مسائل اخلاقی و اعتقادی پشت پا زده می شود، پیداست که هیچ دین حقیقی با این نوع مدرنیته سازگار نیست. پیروان ادیان مختلف بسته به نوع دین شان عکس العمل های مختلفی نشان می دهند.

وی با بیان یک مثال این طور توضیح داد: به عنوان مثال کاتولیک ها یک نوع واکنش دارند و با این ماجرا سخت تر برخورد می کنند و پروتستان ها معمولاً تسامح بیشتری به خرج می دهند. یهودی هایی که پایبند به حضرت موسی و تورات هستند با مدرنیته کنار نمی آیند. یک عده هم ممکن است ادعا کنند تابع شریعت یهودند ولی فی الواقع نیستند مثل صهیونیست هایی که در فلسطین اشغالی زندگی می کنند. این ها با مدرنیته هیچ مشکلی ندارند بلکه پدیدآورنده مدرنیته به معنای بد او هستند. دین اسلام هم چارچوبی دارد. مسلمانانی که معتقد به اصل اسلام هستند با مدرنیته یک نوع برخورد می کنند و آنهایی که خیلی پایبند نیستند به نحوی دیگر. به هر حال معنای مدرنیته بسیار گسترده است و نیاز به تعریف جامع و دقیقی دارد.

حجت الاسلام احمدی درباره تعریف دین از منظر کلام، فلسفه، جامعه شناسی، مردم شناسی و نگاه متفکران معاصر گفت: علم کلام در هر دین آن را به همان شکل که هست، تعریف می کند، کلام یهود، کلام مسیحی، کلام اسلامی هر کدام به نوعی دین خود را تعریف می کند. جامعه شناسی الحادی دین را یک جور تعریف می کند، فلسفه هم به نحوی به تفسیر دین می پردازد. فلسفه الحادی با دین کاری ندارد و تعریف آن بر اساس مبانی خودش است، اما فلسفه اسلامی که دین را وحی خدا می داند که بر پیامبر اکرم (ص) فرو فرستاده شده، تعریف و تفسیر دین به شکل دیگریست.

وی تصریح کرد: در واقع باید دید چه فیلسوفی به تعریف از دین می پردازد. قاعدتاً تعریف فیلسوف الهی از دین با فیلسوف غیرالهی متفاوت است. این موضوع در مورد متفکران معاصر نیز صدق می کند. دئیست کسی است که به مابعد الطبیعه و به خدا اعتقاد دارد ولی به وحی و دین اعتقاد ندارد. تئیست کسی است که به خدا و به دین هر دو اعتقاد دارد. متفکرانی هستند که به وحی آسمانی اعتقاد ندارند اما به هر حال به وحی الهی احترام می گذارند. اگر متفکر غیر دین دار است که مسلماً دین را قبول ندارند. اگر منظور متفکری است که به چارچوبی پایبند است مسلماً با دین سر سازگاری دارد.